

دیدگاه‌های هم‌ارزشی جنسیتی برای افزایش تعامل بانوان در طراحی شهری با تأکید بر اصول هستی‌شناسی افقی

چکیده

استفاده از دیدگاه‌های جنسیتی در طراحی شهری در دهه‌های گذشته بسیار رواج یافته و منجر به ایجاد پروژه‌هایی تحت عنوان طراحی جنسیتی یا طراحی حساس به جنسیت شده است. زنان همیشه برای حضور در فضاهای شهری محدودیت‌هایی داشتند که این محدودیت‌ها ناشی از طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری و همچنین هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است. این هنجارها تنها فضای خانه و فضای نزدیک آن را متعلق به زنان می‌داند و آن‌ها به نوعی حق حضور پررنگ در جامعه را نمی‌دهد. لذا در این راستا، این پرسش‌ها مطرح می‌شوند که چگونه به وسیله معماری می‌توان فضایی را ایجاد کرد که علاوه بر پاسخگویی به نیاز بانوان زمینه تعامل سازنده آن‌ها را فراهم کند؟ چگونه با استفاده از روش هستی‌شناسی افقی و استراتژی شیء بر شیء می‌توان به فضایی جذاب‌تر به نسبت روش‌های قدیمی دست یافت؟ هدف این طرح نادیده گرفتن نقش مردان و توجه مفرط به جایگاه بانوان نیست بلکه بهبود کیفیت حضور و تعامل آن‌ها با یکدیگر و جامعه است. روش تحقیق این پژوهش به صورت ترکیبی از روش «توصیفی-تحلیلی» و «روانشناسی بوم‌شناختی» در بستر پیمایشی است. در ابتدا قسمت کیفی مطالعه با استناد به منابع کتابخانه، چارچوب نظری پژوهش استخراج شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بهبود کیفیت حضور و تعامل بانوان با یکدیگر و جامعه.
۲. شناخت هستی‌شناسی افقی و به‌کارگیری آن به صورت گسترده در معماری.

سوالات پژوهش:

۱. فضای مورد نیاز بانوان به عنوان یک کنشگر اجتماعی باید دارای چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌های باشد؟
۲. چگونه می‌توان با استفاده از روش هستی‌شناسی افقی و استراتژی شیء بر شیء به فضایی جذاب‌تر و فارغ از ارزش‌گذاری‌های جنسیتی نسبت به روش‌های قدیمی دست یافت؟

کلیدواژه‌ها: جنسیت، هستی‌شناسی افقی، تعامل بانوان، تعارض جنسیتی، طراحی شهری.

مقدمه

تعارض بین زنان و مردان در زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی و ... از جمله موضوعاتی است که در عصر حاضر شدت گرفته است؛ این در حالی است که فارغ از جنسیت، این تعارض‌ها در بین خود بانوان نیز به چشم می‌خورد. در جوامعی که مدام دستخوش تغییرات اجتماعی و فرهنگی هستند باید شرایط و فضاهای تعاملی را ایجاد کرد که دیدگاه‌ها و عملکردهای مختلف فارغ از جنسیت بتوانند بروز داده شوند. همان‌گونه که دستورالعمل‌های حقوق بشر و اسلامی بیان می‌کند که تمام انسان‌ها از قبیل زن و مرد / سیاه و سفید و ... دارای حقوق برابر می‌باشد که نتیجه آن جامعه‌ای فعال و پویا می‌شود. در ایران و شهر تهران نقش زنان در عرصه‌های بسیاری نادیده گرفته شده است و فضای مناسبی برای آن‌ها برای بروز استعدادها و توانایی‌هایشان در نظر گرفته نشده است که نتیجه آن هدررفت و نابودی استعداد و انرژی بسیاری زنان مستعد و توانمند می‌شود. در معدود فضاهایی که برای بانوان طراحی و اجرا شده است نیز نیازهای آنان به درستی در نظر گرفته نشده است و آن‌ها برای حضور در آن‌جا علاقه‌مند نمی‌کند. از طرف دیگر، معیارهای زنان در طراحی و ضرورت حضور زنان در فضاهای شهری برای رفع نیازهای اجتماعی باید مورد توجه خاص قرار گیرد؛ زیرا زنان کانون خانواده محسوب می‌شوند و ارتقای سطح عزت‌نفس آن‌ها به ارتقای سطح فکری، جسمی و اقتصادی هر خانواده کمک می‌کند. در مکان‌های عمومی، یافته‌ها حاکی از عدم برخورداری زنان از منزلت‌های روحی و جسمی شایسته و آنچنان که استحقاق دارند می‌باشد که این خود باعث عدم تمایل بانوان در جامعه می‌باشد.

زنان همیشه برای حضور در فضاهای شهری محدودیت‌هایی داشتند که این محدودیت‌ها ناشی از طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری و همچنین هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است. این هنجارها تنها فضای خانه و فضای نزدیک آن را متعلق به زنان می‌داند و آن‌ها به نوعی حق حضور پررنگ در جامعه را نمی‌دهد. در حالی که در صورت برنامه‌ریزی مناسب و ارائه شایط و خدمات مناسب زنان می‌توانند به خوبی در جامعه حضور داشته باشند و به پیشرفت بسیاری عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی ... کمک به‌سزایی کنند. مشارکت زنان در نحوه ساماندهی، تغییر و تحول فضا می‌تواند به تسری حس امنیت و آسایش روحی در کالبد فضا کمک کرده و احساس تعلق به مکان را، برای ایجاد تعاملات اجتماعی زنان تقویت کند. بدین ترتیب بانوان برای حضور، هیچ معضل، ترس یا نگرانی نخواهند داشت و با آرامش خیال به جامعه وارد می‌شوند. برای حل این مشکلات کوچک‌ترین کاری که از دستمان برمی‌آید ساخت کانونی است که بانوان به راحتی بدون نگرانی و دغدغه در آن حضور به عمل آورند و با یکدیگر تعامل سازنده‌ای داشته باشند. بدین منظور باید تمامی نیازهای زنان، توانمندی‌های آنان، تفاوت‌های زنان با مردان، عوامل حضور و عدم حضور آن‌ها در جامعه را شناسایی کرد. بر آن اساس، کانونی را طراحی کرد که این ویژگی‌ها در آن رعایت شوند و دیگر برای بانوان عوامل محدودکننده‌ای برای حضور وجود نداشته باشد و برعکس برای حضور و شرکت در این فضا تمایل داشته باشند.

در مورد هر کدام از متغیرهای این پژوهش، به صورت مستقل تحقیقاتی نگاشته شده که می‌توان به مباحثی پیرامون هستی‌شناسی مسائل زنان و عرصه‌های عمومی اشاره کرد. ملیحه ایزدی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان واکاوی مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از دیدگاه زنان مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر اصفهان در مجله جغرافیا و توسعه به بررسی و شناخت عوامل و شاخص‌های مؤثر در ارتباط با مطلوبیت و رضایت از فضاهای عمومی با تأکید بر دیدگاه زنان می‌باشد که براساس یافته‌ها و نتایج یک بررسی پیمایشی از منطقه ۴ شهر اصفهان به این صورت است که این عوامل در میزان رضایت‌مندی در فضاهای عمومی شهر از دیدگاه زنان می‌باشد و به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رضایت‌مندی شهروندان شناسایی شدند. سجادزاده و موسوی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «ابعاد

چیستی‌شناسی و هستی‌شناسی شهر اسلامی از منظر متون اسلامی» در نشریه شهر ایرانی - اسلامی به بررسی تبیین «چیستی» و «هستی» شهر اسلامی با طرح این پرسش است که ابعاد چیستی‌شناسی (شناخت ابعاد ماهوی) و هستی‌شناسی (شناخت ابعاد وجودی) شهر اسلامی از منظر متون اسلامی (آیات و روایات) کدام است؟ باتوجه‌به مفاهیم اساسی دین اسلام از قبیل وحدت، عدالت، امنیت، محرمیت، تواضع، طبیعت‌گرایی، شهر اسلامی را از نظر تأثیرپذیری این مفاهیم، می‌توان، به دو بعد ماهیتی (چیستی) و وجودی (هستی) تقسیم کرد. بُعد ماهیتی به بررسی ابعاد و صفات هویتی و کالبدی و بُعد وجودی، به بررسی ابعاد تجلی حضور عناصر وجودی و کنش‌های فردی و جمعی مسلمانان، منطبق با اصول نام برده شده، در شهر اسلامی می‌پردازد.

هاشم زهی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های جایگاه زنان در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی در شهرهای ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: شهر زاهدان)»، به بررسی محورهای اصلی موردتوجه طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری به‌خصوص در حوزه فضاهای عمومی «پردازش به عدالت جنسیتی» در طراحی فضاهای شهری است. رابطه جنسیت و فضای شهری امروزه یکی از بحث‌های اساسی در عرصه جهانی است. در این راستا، هدف پژوهش حاضر جایگاه زنان در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی در شهرهای ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: شهر زاهدان) می‌باشد. پژوهش حاضر، از نظر هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی است. نتایج آزمون تی‌تک نمونه‌ای جهت بررسی برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی در شهر زاهدان متناسب با جایگاه زنان در بعد (معنایی، فعالیت، اجتماعی، کالبدی)، نشان از وضعیت نامناسب طراحی فضاهای عمومی متناسب با جایگاه زنان در این ابعاد می‌باشد. اسماعیلی جوربایی و رئیسی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان فلسفه «شیء‌محور» گراهام هارمن و تأثیر آن بر معماری هستی‌شناسی افقی تام ویسکامب در نشریه همایش مهندسی، تکنولوژی و علوم به بررسی در نتایج حاصل شده از این تحقیق نشان می‌دهد که معماری، فلسفه عملی نیست بلکه تاریخ خودش و مسائل خودش را دارد. فلسفه می‌تواند برای برانگیختن ایده‌های نو خوب باشد اما واردکردن مستقیم آن مفید نیست. این رویکرد گفتمان رابطه جزء و کل و مسئله ترکیب‌بندی را به شکل معاصر، به‌روزرسانی می‌کند. یک هستی‌شناسی افقی با امکان یک معماری اساساً فاقد سلسله‌مراتب روبه‌رو می‌شود. بدون آنکه به گفتمان سیالیت یا انفصال متوسل شود. در عوض مدلی برای یکپارچگی براساس مجموعه‌ای از اشیاء که با یکدیگر ارتباط دارند، ارائه می‌کند. مولایی و لطفی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش زنان در شکل‌گیری فضاهای شهری در نشریه علمی زن و فرهنگ»، به بررسی تعیین ضوابط و چهارچوب طراحی یا مدول از فضاهای شهری جهت زنان بود.

موسوی دارامودی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی «امنیت و حضورپذیری زنان در فضاهای عمومی شهر» پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد افزایش حضورپذیری بانوان موجب ایجاد امنیت در فضاهای شهری می‌گردد؛ چراکه با ایجاد تعادل جنسیتی در فضاهای شهری، برنامه‌ریزان و طراحان شهری را ملزم به بازآفرینی و ساماندهی مطلوب فضا برای هر دو جنس می‌کند. زمانی که این مهم شکل گیرد، حضور بیشتر بانوان در فضاهای عمومی شهری امنیت را در ابعاد گوناگون افزایش خواهد داد. یعنی لازم است حرکت دوسویه باشد، هم فضاهای شهری آماده حضور ایمن بانوان باشند که فرآیند آن حضورپذیری بیشتر بانوان و به تبع آن زمینه امنیت شهری بیشتر و بهره‌وری بیشتر از فضاها حاصل گردد.

در این پژوهش برای بررسی نقش عوامل کالبدی، عملکردی و مفهومی فضاهای شهری و تأثیر آن در بهبود کیفی فضاهای تعاملی اجتماعات زنان با واکاوی آرای اندیشمندان درباره انگاره‌های هستی‌شناسی و فضاهای شهری، بن

مایه‌های هستی‌شناسی و جایگاه زنان در فضاهای شهری روشن شده است. آنگاه با بررسی این بن‌مایه‌ها، معیارهای کیفی برای ارزیابی حضورپذیری فضا روشن شده است. روش این پژوهش، کمی-کیفی و توصیفی - تحلیلی است. قسمت کیفی مطالعه با استناد به منابع کتابخانه، مبانی نظری تحقیق شکل گرفته و چارچوب نظری پژوهش استخراج شده است.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق باتوجه به مطالعات صورت‌گرفته در رابطه با هستی‌شناسی افقی به این نتیجه می‌رسیم که امروزه فضاها باید طوری طراحی شوند که قابلیت انعطاف‌پذیری داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که جابجایی تفاوت‌های بی‌شمار باشد. فلسفه شیء بر شیء باعث شده اشیاء در رابطه با ایجاد جذابیت برای مخاطبان و حس یک فضای جدید داشته باشد. به‌نحوی که مقابل سنت گذشته و مبنایی متفاوت از ساختار شکنی گذشته است سبک جدیدی از فرم‌گرایی، به‌وجود آید. اما به‌نحوی که فضاها خوانایی دارد و همچنین ایجاد ارتباط بین مخاطبان و فضای معماری باتوجه به کاربری‌های خاص آن بدون تفکیک فضایی به سبک روتین مدرن و پست‌مدرن خواهد بود. در این روش به فرم‌های مختلف جهت فرم پژوهی دست پیدا خواهیم کرد (مورفولوژی فرم). یک هستی‌شناسی افقی با امکان یک معماری اساساً فاقد سلسله مراتب روبه‌رو می‌شود. بدون آنکه به گفتمان سیالیت یا انفصال متوسل شود. همه این موارد باعث رفع تبعیض‌های جنسیتی در این محیط می‌شود.

پس از انجام مطالعات و بررسی‌های مربوط به زنان به این نتایج رسیدیم، عواملی که موجب حضور بیشتر زنان در فضاهای شهری و برقراری تعاملات اجتماعی آنان می‌گردد، عبارت‌اند از: ۱. امنیت؛ ۲. دسترسی؛ ۳. آسایش؛ ۴- پویایی و جذابیت؛ ۵- هم‌آوایی با طبیعت؛ ۶. تجهیزات شهری؛ ۷. آموزش و شکوفایی استعدادها؛ ۸- فضایی با حس همدلی و عدم وجود تعارض جنسیتی.

مشارکت زنان و توجه به نیازهای آنان در نحوه ساماندهی و تغییر و تحول فضا می‌تواند به تسری حس امنیت و آسایش روحی در کالبد فضا کمک کرده و احساس تعلق به مکان‌های شهری را تقویت کند. بدین ترتیب توجه به حضور زنان و نیازهای اجتماعی آن‌ها در ارتقای کیفی منطقه کمک به‌سزایی خواهد کرد. موارد محوری عبارت‌اند از:

امنیت محیطی: تأمین امنیت روزانه و شبانه شامل تأمین نور کافی، دید مناسب و دسترسی مناسب به مراکز امن، شناسایی مکان‌های آسیب‌پذیر و افزایش تردد در آن‌ها، عدم وجود تبعیض جنسیتی؛

پاسخ‌دهندگی محیطی: تأمین پاسخ‌دهندگی محیطی فضا به نیازهای زنان و گروه‌های تحت مراقبت آن‌ها شامل تأمین تأسیسات و تجهیزات لازم در برنامه‌ریزی فضاها، ایجاد فضای مناسب برای کودکان، تأمین دسترسی‌های مناسب به فضا، حفظ عدالت فضا و ... ؛

مطلوبیت محیطی: تأمین مطلوبیت محیطی فضا برای زنان شامل افزایش پاکیزگی محیطی، طراحی مناسب و توجه به ویژگی‌های زیباشناختی، افزایش امکانات جهت حضور شبانه و

تجهیزات شهری: تأمین تأسیسات و تجهیزات لازم شامل احداث سرویس بهداشتی، تأمین دسترسی به وسایل نقلیه عمومی در ساعات مختلف روز، انعطاف‌پذیری در تجهیزات و مبلمان شهری که به دل‌پذیری فضا منجر می‌شود. مورد مشکلات محورهای دسترسی و تداخل سواره و پیاده و ترافیک محیطی که موجبات ناکارآمدی فضا می‌شود. ارتقای

کالبدی بافت، باعث افزایش کیفیت محیط و در نتیجه حضور شهروندان و ارتقاء امنیت در سطح محله شده است و این خود به صورت هم افزا کیفیت‌های محیطی و اجتماعی را در پی خواهد داشت. در جدول زیر این موارد و راه‌کارهای پیشنهادی به اختصار آورده شده است.

فهرست منابع و مآخذ:

ارشاد، محمدرضا. (۱۳۸۰). اندیشه‌های فلسفی در پایان هزاره دوم: گفتگو با دکتر محمد ضیمران. تهران: انتشارات هرمس.

اسلامی، سیدغلامرضا. (۱۳۸۰). «فرآیند تولید و توسعه درون‌زا». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰.

اسلامی، سیدغلامرضا و شاهین‌راد، مهنوش. (۱۳۹۱). «بازشناسی اصل افقی‌گرایی در معماری اسلامی». فصلنامه کیمیای هنر، شماره ۲.

اسماعیلی جوریایی، فاطمه؛ رئیسی، ایمان. (۱۳۹۴). «فلسفه شیء‌محور گراهام هارمن و تأثیر آن بر معماری هستی‌شناسی افقی تام ویسکامب». دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی، دبی، مؤسسه سرآمد همایش کارین.

بصیرت، آرش. (۱۳۹۳). «دموکراسی اشیاء: بررسی نظری معماری ویسکامب». فصلنامه همشهری معماری. شماره ۲۸. دیونو، ادوارد. (۲۰۱۳). تفکر نوین: استفاده از تفکر افقی در تراوش اندیشه‌های نو، ترجمه: ضیاء‌الدین رضاخانی، تهران: نشر کویر تهران.

روحی، پویان. (۱۳۹۳). روایت‌های آوانگارد (گفتگو با استادان مؤسسه معماری کالیفرنیا جنوبی)، تهران: انتشارات کسری.

رضازاده، راضیه و محمدی، مریم. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری». هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۳۸، ۱۱۴-۱۰۵.

رفعیان، مجتبی و همکاران. (۱۳۹۰). «امکان‌سنجی ارتقاء کیفیت محیط از طریق پیاده‌راه‌سازی محورهای شهری مورد: محور خیابان ارم بخش مرکزی شهر قم. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقی‌های، شماره ۱۱، ۵۶-۴۱.

روحی، پویان. (۱۳۹۴). بینا معماری، با نگاهی بر تبارشناسی پروژه‌های عروسک روسی. منتشر شده در کتاب «نظربازی».

شکوهی دولت‌آبادی، محمود و مسعود، محمد. (۱۳۸۹). «پیاده راه عاملی برای افزایش سرمایه اجتماعی». نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱.

طالبی، ژاله. (۱۳۸۳). «روابط اجتماعی در فضاهای شهری». دو فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، ۱۸۰-۱۶۱.

علیرضائزاد، سهیلا؛ سرائی، حسن. (۱۳۸۶). «زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای در مورد فضاهای عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن». دو فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، ۱۴۹-۱۲۱.

لنگ، جان. (۱۳۸۶). طراحی شهری گونه‌شناسی رویه‌ها همراه با بیش از پنجاه مورد خاص. مترجم: حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۴). طراحی فضای شهری نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی. چاپ سوم، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوصی شهر. مترجم: فرشاد نوریان، چاپ سوم، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

معینی، محمدمهدی. (۱۳۸۵). «افزایش قابلیت پیاده‌مداری، گامی به سوی شهری انسانی‌تر». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، ۱۶-۵.

Assiter, A. (۲۰۱۵). Kierkegaard, eve and metaphors of birth. Rowman & Littlefield International, London

Bogost, I. (۲۰۱۲). Alien phenomenology or what it is like to be a thing. University of Minnesota Press, Minneapolis, London

Burns MO'N. (۲۰۱۵). Kierkegaard and the matter of philosophy—a fractured dialectics. Rowman & Littlefield International, London

Burns MO'N. (۲۰۱۰). The hope of speculative materialism. In: Smith A, Whistler D (eds) After the postsecular and the postmodern—new essays in continental philosophy of religion, 1st edn. Cambridge Scholars Publishing, Newcastle, pp. ۳۱۶-۳۳۵

Berman, H.M., Westbrook, J.D., Fen, Z., Gilliland, G., Bhat, T.N., Weissig, H., Shindylov, I.N. and Bourne, P.E. (۲۰۰۰). the protein data bank. Nucleic Acids Res., ۲۸,۲۳۵-۲۴۲

Bourne, P.E., Berman, H.M., McMahon, B., Watenpaugh, K., westbrook, J. and Fitzgerald, P.M.D. (۱۹۹۷) The macromolecular CIF dictionary. Meth. Enzymol., ۲۲۷, ۵۷۱-۵۹۰.

Day, K. (۲۰۰۰). "The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space", Journal of Environmental Psychology, ۲۰, pp. ۱۰۳-۱۲۴ .

Gamma, E., Helm, R., Johnson, R. and Vlissides, J. (۱۹۹۴). Design patterns, Elements of Reusable Object-Oriented software. Addison-Wesley, Reading, MA ..

Harman, G. (۲۰۰۲). Tool-being—Heidegger and the metaphysics of objects. Open Court, Chicago and La Salle.

Harman, G. (۲۰۰۵). Guerrilla metaphysics—phenomenology and the carpentry of things. Open Court, Chicago and LaSalle

Harman, G. (۲۰۰۹). Dwelling with the fourfold. Space and culture, vol. ۱۲ (۳). Sage Publications, pp. ۲۹۲-۳۰۲.

Harman, G. (۲۰۱۰). Time, space, essence and eidos: a new theory of causation. cosmos and history. J Nat Soc Philos ۶(۱): ۱-۱۷.

Harman, G. (2010b) *Towards speculative realism—essays and lectures*. Zero Books, Winchester & Washington.

Harman, G. (2011). *The quadruple object*. Zero Books, Winchester, UK, Washington, USA.

Harman, G. (2016). *Immaterialism: objects and social theory*. Polity Press, Cambridge

Harman, G. (2017). *Object-oriented ontology: a new theory of everything*. A Pelican Book, Penguin Random House, UK.

Harman, G. (2019). Editorial Introduction for the Topical Issue “Object-Oriented Ontology and its Critics”. In: *Open Philosophy* (2019). 2 De Gruyter pp. 092–098
Heidegger, M, (1973). *Art and space* (trans: Seibert CH). <https://pdflibrary.files.wordpress.com/2008/02/art-and-space.pdf>

Islami, SG. (2011). “Acquiring the Essence of Truth in Educational Impacts of Place Formation”, *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*.

Kierkegaard, S. (1843/2009d). *Fire Opbyggelige Taler 1843*, Søren Kierkegaards skrifter. Elektronisk version 1,4 Søren Kierkegaard Forskningscenteret, København (abbr. SKS^o).

Kierkegaard, S. (1847/2011). *Kjerlighedens Gjerninger: Nogle christelige Overveielser i Talers Form—Søren Kierkegaards skrifter*. Elektronisk version 1,6 Søren Kierkegaard Forskningscenteret, København (abbr. SKS^o).

Kierkegaard, S. (1992). *Eighteen upbuilding discourses - Kierkegaard's Writings, V* (ed. and trans: Hong HV, Hong EH). Princeton University Press, Princeton.

Kierkegaard, S. (1849/2012). *Sygdommen til Døden: En christelig psykologisk Udvikling til Opbyggelse og Opvækkelse—Søren Kierkegaards skrifter*. Elektronisk version 1,7, Søren Kierkegaard Forskningscenteret, København (abbr. SKS^o).

Kierkegaard, S. (1968). *Concluding Unscientific Postscript* (trans: Swenson DF, Lowrie W). Princeton University Press, Princeton.

Kierkegaard, S. (1980). *The sickness unto death: a christian psychological exposition for upbuilding and awakening—Kierkegaard's Writings, XIX* (ed. and trans: Hong HV, Hong EH). Princeton University Press, Princeton.

Krenichyn, (2004). *Women and Physical Activity in an Urban Park: Enrichment and Support through an Ethic of Care*, *Journal of Environmental Psychology*, 24, pp. 117-130.

Leyden, K. (2003). *Social Capital and the Built Environment: The importance of Walkable Neighborhoods*, *American Journal of Public Health*, 93(9): pp. 1046-1051.

M. A. Casanova, T. A. S. Coelho, M. T. M. de Carvalho, E. T. L. Corseuil, H. Nobrega, F. M. Dias, and C. H. Levy. *The Design of XPAAE - An Emergency Plan Definition*

Language. In IV Simposio Brasileiro de Geoinformática (GeoInfo' 2002). Caxambu, Minas Gerais, 2002.

P. Mangan and S. Sadiq. On Building Workflow Models for Flexible Processes. In ACM International Conference Proceeding Series - Proceedings of the Thirteenth Australasian Conference on Database Technologies (ADC'2002). volume 9, pages 103-109, Melbourne, Victoria, Australia, 2002. Australian Computer Society, Inc. Darlinghurst.

Westbrook, J.D. & Bourne, P.E. (2000). STAR/mmCIF: an extensive ontology for macromolecular structure and beyond. *Bioninformatics*, 16 109-118.

Wilde, N. (2009). Weird Allies? Kierkegaard and object-oriented ontology. In: *Kierkegaard Studies Yearbook*, Vol. 24, Issue 1, De Gruyter pp. 393-413.

Wolfendale, P. (2014). *Object-oriented philosophy—the Noumenon's new clothes*. Urbanomic Media LTD, Falmouth.

Wood, D. (1998). Thinking god in the wake of Kierkegaard. In: Rée Jonathan, Chamberlain Jane (ed.) *Kierkegaard: a critical reader*. Blackwell Publishers, Oxford, pp. 93-100.

Zacharias, J. (2001). "Pedestrian Behavior and Perception in Urban Walking Environments", *Journal of planning Literature*, Vol 16, No 1, pp 3-18.